

# فلسفه علم فقه

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سعید خیائی فر

زمستان ۱۳۹۲

ضیائی فر، سعید، ۱۳۴۲-

فلسفه علم فقه / سعید ضیائی فر. – قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، ۱۳۹۲.  
شانزده، ۴۸۸ ص. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۶۰؛ حقوق؛ ۲۴) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ ۱۷۴۱؛ الهیات (فقه و مبانی حقوق اسلامی؛ ۲۵))

ISBN: 978-600-298-024-3

بها: ۱۲۶۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۴۵۳]-[۴۷۷] همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

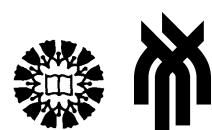
۱. فقه – فلسفه. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). ج. عنوان.

۲۹۷/۳۰۱

BP ۱۶۹/۲ خ/۹۶۸

شماره کتابشناسی ملی

۳۳۷۱۶۲۶



### فلسفه علم فقه

مؤلف: حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سعید ضیائی فر (دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)  
«پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)»

ویراستار: سعید رضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۲

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۲۶۰۰۰ ریال

### کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۳۰۰، نمبر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ ص.پ. تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نیش کوی اسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۰۶۹۷۸۹۲۰ Website: www.rihu.ac.ir Email: info@rihu.ac.ir

تهران: بزرگراه جلال آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبروی پمپ گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۴۴۲۴۶۲۵، نمبر: ۴۴۲۴۸۷۷۷ تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۷ و ۱۰۹ و ۱۰۶ - تلفن: ۰۶۶۴۰۸۱۲۰، نمبر: ۰۶۶۴۰۵۶۷۸ Website: www.samt.ac.ir Email: info@samt.ac.ir

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است،  
حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و  
نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۹

## پیام پژوهش

نیازگسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند، امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، بنجاه و دومین کار مشترک خود را با انتشار کتاب فلسفه علم فقه به جامعه علمی کشور عرضه می‌کند.

این کتاب برای دانشجویان رشته «مذاهب فقهی» در مقطع کارشناسی ارشد به عنوان متن درس «فلسفه فقه» و برای دانشجویان رشته‌های «حقوق» و «فقه و مبانی حقوق» به عنوان یکی از منابع درس‌های «فلسفه حقوق»، «مقدمه علم حقوق» و «درآمدی بر حقوق اسلامی» تدوین شده است. امید است سایر دانشجویان، طلاب و دیگر علاقهمندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

ضمن تشکر از مؤلف محترم، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ضیایی‌فر، از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با راهنمایی‌ها و پیشنهادهای اصلاحی خود، ما را در جهت ارتقای کیفی کتاب پیش رو و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی و دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری کنند.

## بسم الله الرحمن الرحيم

علوم انسانی در حکم مجموعه قواعد تنظیم حیات انسان در بخش نرم افزاری فرهنگ و تمدن بشری، علوم و معارفی است که به صورت روش مند از رفتارها، باورها، نگرشها، احساسات و همه پدیده‌های انسانی معنادار بحث می‌کند و از مصاديق یقینی آن فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، مدیریت و حقوق است.

تحول در حوزه‌های علمی، بهویژه در علوم انسانی از فرازهای مورد تأکید حضرت امام خمینی(ره) و مطالبات جدی رهبر معظم انقلاب(مدظله) بهویژه در سال‌های اخیر است. اهمیت این تحول، ریشه در مطالعات علوم انسانی و نیازهای مترب بر آن، بهویژه رشد و توسعه شتابان دانش و فرهنگ در عرصه جهانی دارد؛ زیرا در آن، از یک سو انسان، به عنوان اشرف مخلوقات و از دیگرسو روابط او با دیگران در عرصه بشری مطرح است و از این جهت این علوم بر علوم دیگر تقدم دارد. به‌واقع، رسالت مهم و اساسی این علم، ساختن انسان، پرورش شخصیت و توجه به شأن وجودی او و در یک نگاه، رساندن او به سرمنزل مقصود و هدایت به سوی مرتبه انسان کامل است.

ایران اسلامی از بنیان‌های تمدنی غنی و توانمندی‌های فراوانی در درون و برون محیط‌های دانشگاهی و حوزه‌های علمیه برخوردار است و از این جهت، بستری مهیا برای ورود به عرصه‌های علمی و تولید دانش بومی در حوزه‌های علوم انسانی فراهم است. به پشت‌وانه چنین میراث گران‌قداری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با حمایت معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که رسالت و تکلیف اصلی آن تلاش برای تعمیق و گسترش علوم، معارف و ارزش‌های انسانی اسلامی و تطبیق هرچه بیشتر رشته‌ها و

درس‌های دانشگاهی بانیازهای جامعه و کاربردی کردن آنها و تحول در ارتقای علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علم است، زمینه‌های چاپ این اثر را فراهم آورده است. از استادان، فرهیختگان و صاحب‌نظران ارجمند می‌خواهیم تا با همکاری و راهنمایی‌های ارزشمند خود این معاونت را در جهت نقد کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

## فهرست اجمالی

۱	سرآغاز
۵	پیشگفتار
۱۱	فصل اول: مباحث مقدماتی
۱۱	گفتار اول: تعریف فلسفه علم فقه
۱۸	گفتار دوم: تفاوت فلسفه علم فقه و فلسفه احکام
۱۹	گفتار سوم: اهداف و فواید فلسفه علم فقه
۲۲	گفتار چهارم: روش فلسفه علم فقه
۲۷	گفتار پنجم: تفاوت «فلسفه علم فقه» و «اصول فقه»
۳۱	گفتار ششم: ساختار فلسفه علم فقه
۵۷	گفتار هفتم: تقدم فلسفه علم فقه بر علم فقه، یا تأخیر آن
۵۸	گفتار هشتم: پیشینه مباحث فلسفه فقهی
۹۷	فصل دوم: تعریف فقه و مقایسه آن با اخلاق و حقوق
۹۷	گفتار اول: کاربردهای شریعت
۹۸	گفتار دوم: کاربردهای فقه
۱۰۱	گفتار سوم: کاربردهای اجتهاد
۱۰۳	گفتار چهارم: تعریف افتاء
۱۰۳	گفتار پنجم: تعریف اخلاق
۱۰۵	گفتار ششم: مقایسه علم فقه و علم اخلاق
۱۱۳	گفتار هفتم: تعریف حقوق
۱۱۳	گفتار هشتم: مقایسه علم فقه و علم حقوق

۱۱۹ .....	فصل سوم: موضوع و قلمرو علم فقه
۱۲۱ .....	گفتار اول: فعل مکلف از حیث حکم تکلیفی
۱۲۸ .....	گفتار دوم: فعل مکلف از حیث تعلق حکم شرعی
۱۲۹ .....	گفتار سوم: فعل انسان از حیث تعلق حکم شرعی
۱۳۰ .....	گفتار چهارم: فعل فرد و جامعه از حیث تعلق حکم شرعی
۱۳۶ .....	گفتار پنجم: حقوق و وظایف فرد و جامعه در همه عرصه‌های چهارگانه
 ۱۳۹ .....	فصل چهارم: اهداف علم فقه
۱۴۱ .....	گفتار اول: اهداف دنیوی و اخروی
۲۲۴ .....	گفتار دوم: اهداف مادی و معنوی
۲۳۵ .....	گفتار سوم: اهداف فردی و جمعی
۲۴۷ .....	گفتار چهارم: اهداف حکومتی و غیر حکومتی
 ۲۶۱ .....	فصل پنجم: مبانی علم فقه
۲۶۷ .....	گفتار اول: حُسن و قُبْح عقلی
۲۷۴ .....	گفتار دوم: حسن عدل و قبح ظلم
۲۹۶ .....	گفتار سوم: اختصاص تشریع به خداوند
۳۰۳ .....	گفتار چهارم: حکمت الهی
۳۱۹ .....	گفتار پنجم: لطف الهی
۳۲۶ .....	گفتار ششم: خاتمیت نبوت
۳۳۷ .....	گفتار هفتم: جامعیت شریعت
۳۵۸ .....	گفتار هشتم: جاودانگی شریعت
۳۸۱ .....	گفتار نهم: جهان‌شمولی شریعت
۳۹۹ .....	گفتار دهم: شوؤون معصوم(ع)
 ۴۵۱ .....	نتیجه‌گیری نهایی
 ۴۵۳ .....	منابع و مأخذ
 ۴۷۹ .....	نمایه آیات
۴۸۵ .....	نمایه روایات
۴۸۸ .....	نمایه کتاب‌ها

## فهرست تفصیلی

۱	سرآغاز
۵	پیشگفتار
۱۱	فصل اول: مباحث مقدماتی
۱۱	گفتار اول: تعریف فلسفه علم فقه
۱۱	تعریف اول
۱۴	تعریف دوم
۱۴	تعریف سوم
۱۵	تعریف چهارم
۱۶	تعریف پنجم
۱۷	تعریف برگزیده
۱۸	گفتار دوم: تفاوت فلسفه علم فقه و فلسفه احکام
۱۹	گفتار سوم: اهداف و فواید فلسفه علم فقه
۲۲	گفتار چهارم: روش فلسفه علم فقه
۲۳	احتمال اول: توصیفی بودن روش فلسفه علم
۲۴	احتمال دوم: توصیه‌ای بودن کار فلسفه علم
۲۵	احتمال سوم: توصیفی و توصیه‌ای بودن فلسفه علم
۲۵	بررسی و نتیجه‌گیری
۲۷	گفتار پنجم: تفاوت «فلسفه علم فقه» و «اصول فقه»
۲۸	مطلوبیت یا عدم مطلوبیت اصول فقه موجود
۳۱	گفتار ششم: ساختار فلسفه علم فقه
۳۱	ساختار اول

۳۳	ساختار دوم
۳۳	ساختار سوم
۳۹	ساختار چهارم
۴۰	ساختار پنجم
۴۱	ساختار ششم
۴۲	ساختار هفتم
۴۴	ساختار هشتم
۴۵	ساختار نهم
۴۶	ساختار دهم
۴۶	ساختار یازدهم
۴۹	ساختاردوازدهم
۵۰	ساختار سیزدهم
۵۱	تحلیل و ارزیابی
۵۱	تحلیل علل ارائه ساختارهای متفاوت
۵۴	ویژگی‌های ساختار مطلوب
۵۴	ساختار پیشنهادی
۵۷	گفتار هفتم: تقدم فلسفه علم فقه بر علم فقه، یا تأخیر آن
۵۷	(الف) مقام تدوین
۵۷	(ب) مقام آموزش
۵۷	(ج) مقام تحقیق و بررسی کارشناسی مسئله فقهی
۵۸	گفتار هشتم: پیشینه مباحث فلسفه فقهی
۵۹	۱. شیخ مفید (م ۴۱۳ق)
۶۰	۲. سید مرتضی (م ۴۳۶ق)
۶۱	۳. شیخ ابی الصلاح حلبی (م ۴۴۷ق)
۶۳	۴. شیخ طوسی (م ۴۶۰ق)
۶۵	۵. ابن زهره حلبی (م ۵۸۵ق)
۶۶	۶. ابن ادریس (م حدود ۵۹۸ق)
۶۷	۷. محقق حلی (م ۷۶۴ق)
۶۸	۸. علامه حلی (م ۷۲۶ق)
۷۰	۹. فخر المحققین (م ۷۷۱ق)
۷۱	۱۰. شهید اول (ش ۷۸۶ق)
۷۷	۱۱. فاضل مقداد (م ۸۲۶ق)
۷۸	۱۲. ابن ابی جمهور احسایی (م حدود ۹۰۱ق)

۷۹	۱۳. محقق ثانی (م ۹۴۰ق)
۷۹	۱۴. شهید ثانی (م ۹۶۶ق)
۸۱	۱۵. محقق اردبیلی (م ۹۳۰ق)
۸۲	۱۶. صاحب مدارک (م ۱۰۰۹ق)
۸۲	۱۷. شیخ حسن عاملی (م ۱۱۰۱ق)
۸۳	۱۸. ملا محسن فیض کاشانی (م ۹۱۰ق)
۸۵	۱۹. محدث بحرانی (م ۱۱۸۶ق)
۸۶	۲۰. وحید بهبهانی (م ۱۲۰۶ق)
۸۷	۲۱. علامه سیدمهدي بحرالعلوم (م ۱۲۱۲ق)
۸۷	۲۲. شیخ جعفر کاشف الغطاء (م ۱۲۲۸ق)
۸۸	۲۳. ملا احمد نراقی (م ۱۲۴۵ق)
۸۸	۲۴. شیخ محمد حسن نجفی (م ۱۲۶۶ق)
۸۹	۲۵. شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ق)
۹۰	۲۶. ملا حبیب الله شریف کاشانی (م ۱۳۴۰ق)
۹۰	۲۷. آیت الله بروجردی (م ۱۳۸۰ق)
۹۱	۲۸. امام خمینی (م ۱۴۰۹ق)
۹۵	۲۹. آیت الله خوبی (م ۱۴۱۲ق)

۹۷	فصل دوم: تعریف فقه و مقایسه آن با اخلاق و حقوق
۹۷	گفتار اول: کاربردهای شریعت
۹۷	۱. شریعت به معنای عام
۹۷	۲. شریعت به معنای خاص
۹۸	گفتار دوم: کاربردهای فقه
۹۸	۱. فهم همه آموزه‌های دین
۹۹	۲. آگاهی به احکام فرعی
۹۹	۳. رشته علمی
۱۰۰	۴. فقه به معنای شریعت
۱۰۱	گفتار سوم: کاربردهای اجتهاد
۱۰۱	۱. فرایند استنباط حکم شرعی
۱۰۲	۲. ملکه استنباط حکم شرعی
۱۰۳	گفتار چهارم: تعریف افتاء
۱۰۳	گفتار پنجم: تعریف اخلاق
۱۰۵	گفتار ششم: مقایسه علم فقه و علم اخلاق

۱۰۵	۱. مقایسه علم فقه و اخلاق از نظر موضوع و قلمرو
۱۰۷	۲. مقایسه علم فقه و اخلاق از نظر منابع
۱۱۰	۳. مقایسه علم فقه و اخلاق از نظر هدف
۱۱۲	۴. مقایسه علم فقه و اخلاق از نظر ضمانت اجرا
۱۱۳	گفتار هفتم: تعریف حقوق
۱۱۳	گفتار هشتم: مقایسه علم فقه و علم حقوق
۱۱۴	۱. مقایسه از نظر موضوع و قلمرو
۱۱۴	۲. مقایسه از نظر منابع
۱۱۵	۳. مقایسه از نظر هدف
۱۱۶	۴. مقایسه از نظر ویژگی‌های مسائل
۱۱۷	۵. مقایسه از نظر ضمانت اجرا
۱۱۷	۶. مقایسه از نظر مبانی
۱۱۹	فصل سوم: موضوع و قلمرو علم فقه
۱۲۱	بررسی توصیفی و توصیه‌ای
۱۲۱	گفتار اول: فعل مکلف از حیث حکم تکلیفی
۱۲۸	گفتار دوم: فعل مکلف از حیث تعلق حکم شرعی
۱۲۹	گفتار سوم: فعل انسان از حیث تعلق حکم شرعی
۱۳۰	گفتار چهارم: فعل فرد و جامعه از حیث تعلق حکم شرعی
۱۳۶	گفتار پنجم: حقوق و وظایف فرد و جامعه در همه عرصه‌های چهارگانه
۱۳۹	فصل چهارم: اهداف علم فقه
۱۳۹	الف) تعریف هدف
۱۳۹	ب) مقایسه هدف با نتیجه و فایده
۱۴۰	ج) تفاوت‌ها میان هدف خداوند و انسان
۱۴۱	د) اقسام اهداف احکام فقهی
۱۴۱	گفتار اول: اهداف دنیوی و اخروی
۱۴۱	۱. تعریف اهداف دنیوی
۱۴۲	۲. تعریف اهداف اخروی
۱۴۲	۳. احتمال‌ها درباره دنیوی، یا اخروی بودن احکام فقهی
۲۲۴	گفتار دوم: اهداف مادی و معنوی
۲۲۴	۱. تعریف اهداف مادی
۲۲۵	۲. تعریف اهداف معنوی

۲۲۵	۳. احتمال‌ها درباره مادی یا معنوی بودن احکام فقهی
۲۳۵	گفتار سوم: اهداف فردی و جمعی
۲۳۶	۱. تعریف اهداف جمعی
۲۳۶	۲. تعریف اهداف فردی
۲۳۷	۳. احتمال‌ها درباره فردی یا جمعی بودن اهداف احکام فقهی
۲۳۷	۴. دیدگاه‌ها درباره فردی و جمعی بودن اهداف احکام فقهی
۲۴۵	نتایج
۲۴۷	گفتار چهارم: اهداف حکومتی و غیر حکومتی
۲۴۷	۱. تعریف اهداف حکومتی
۲۴۷	۲. تعریف اهداف غیر حکومتی
۲۴۸	۳. احتمال‌ها درباره اهداف حکومتی داشتن احکام فقهی
۲۵۷	نتایج
۲۵۹	مصادیق اهداف شارع

۲۶۱	فصل پنجم: مبانی علم فقه
۲۶۱	تعريف مبانی
۲۶۱	۱. مبانی به معنای ادله
۲۶۲	۲. مبانی به معنای مفروضات و اصول موضوعه
۲۶۲	تعريف مبادی
۲۶۲	مبادی به معنای عام
۲۶۳	مبادی به معنای خاص
۲۶۴	انواع مبادی
۲۶۴	تقسیم اول: تقسیم به لحاظ علوم
۲۶۴	تقسیم دوم: تقسیم به لحاظ تصوری یا تصدیقی بودن
۲۶۶	تفاوت مبانی یک علم و مسئله یک علم
۲۶۷	گفتار اول: حُسن و قُبح عقلی
۲۶۷	کاربردهای قبیح
۲۶۸	کاربردهای حسن
۲۷۰	نتایج
۲۷۴	گفتار دوم: حسن عدل و قبح ظلم
۲۷۵	تعريف عدالت
۲۷۵	۱. معنای لنوى
۲۷۶	اقسام و انواع عدالت

۲۷۸	۲. تفسیرهای عدالت
۲۸۰	نتایج
۲۹۳	مباحث تکمیلی
۲۹۶	گفتار سوم: اختصاص تشریع به خداوند
۲۹۶	الف) معنای اختصاص تشریع به خداوند
۲۹۶	ب) اقسام تشریع
۲۹۸	نتایج
۳۰۳	گفتار چهارم: حکمت الهی
۳۰۳	تعریف حکمت
۳۱۹	گفتار پنجم: لطف الهی
۳۱۹	تعریف و اقسام لطف
۳۲۶	گفتار ششم: خاتمیت نبوت
۳۲۶	۱. معنای خاتمیت
۳۲۷	۲. تفسیرها از ختم نبوت
۳۳۰	نتایج
۳۳۵	مباحث تکمیلی
۳۳۷	گفتار هفتم: جامعیت شریعت
۳۳۷	۱. معنای جامعیت
۳۳۸	۲. جامعیت دین و شریعت
۳۴۷	نتایج
۳۵۸	گفتار هشتم: جاودانگی شریعت
۳۵۸	۱. معنای جاودانگی
۳۵۹	۲. جاودانگی شریعت و دین
۳۵۹	۳. تفاوت جاودانگی دین و آموزه‌های دینی
۳۶۰	۴. انواع ادله از نظر دلالت بر استمرار
۳۶۲	۵. ادله جاودانگی حکم فقهی از نظر فقهاء
۳۷۶	نتایج
۳۸۱	گفتار نهم: جهان‌شمولی شریعت
۳۸۱	۱. معنای جهان‌شمولی
۳۸۲	۲. جهان‌شمولی دین و شریعت
۳۸۲	۳. تفاوت جهان‌شمولی رسالت و آموزه‌های دینی
۳۸۲	نتایج
۳۹۹	گفتار دهم: شؤون معصوم(ع)

۳۹۹	اقسام شؤون مقصوم(ع)
۴۴۶	اهمیت مقایسه‌ای شؤون مقصوم(ع)
۴۵۱	نتیجه‌گیری نهایی
۴۵۳	منابع و مأخذ
۴۷۹	نمایه آیات
۴۸۵	نمایه روایات
۴۸۸	نمایه کتاب‌ها



## سرآغاز

فلسفه علم فقه دانش در آستانه شکلگیری است. طرح مباحث آن به این عنوان کمتر از دو دهه سابقه دارد و به سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۵ بازمی‌گردد. هرچند رگ‌ها و ریشه‌های آن در میراث علمی دانشوران فقه، اصول، کلام و... وجود دارد و این نکته را ماتحت عنوان «پیشینه مباحث فقهی» در این کتاب تا حدی بررسی کرده‌ایم و از ملاحظه مباحث کتاب هم روشن می‌شود که برخی از آنها به صورت غیرتدوین‌یافته در آثار علمی دانشوران یادشده وجود دارد.

نگارنده به لطف و توفيق الهی از سال ۱۳۷۵ با پیشنهاد پایان‌نامه «مبانی کلامی فقه شیعه» وارد این عرصه شد و از آن زمان تاکنون تقریباً نیمی از وقت مفید زندگی علمی خود را در این رشته علمی صرف کرده است چه به صورت نگارش کتاب و مقاله، چه به صورت تدریس، چه به صورت شرکت در نشست‌های علمی و کرسی‌های نظریه‌پردازی، چه به عنوان راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌ها، چه به عنوان مدیریت سیزده‌ساله گروه فلسفه فقه پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. لازمه مدیریت این گروه نویا از یک سو رصد موضوعات قابل تحقیق بود و از سوی دیگر مباحثه، مشاوره، نظارت و ارزیابی طرح‌ها و تحقیقات در این موضوع بود. گرچه نگارنده دشواری‌ها و مشکلات فراوانی را در این زمینه تحمل کرده است تا به مطلب جدیدی در این موضوع دست یابد، ولی شیرینی یافته‌ها بر همه آن تلخی‌ها و سختی‌ها غالب آمده است نگارنده بر این باور است مطالبی که در اثر تحقیق، تدریس، ارزیابی و... در این موضوع یافته است کمتر با حضور پانزده‌ساله در درس‌های خارج فقه و اصول یافته است بلکه تصور می‌کند که این یافته‌ها می‌توانند تحولات مثبتی را در فقه و

اصول به همراه آورده بهویزه بحث شئون معمصوم از مبانی کلامی. به هر حال تدوین در این موضوع با مشکلاتی همراه بود که برخی از مهمترین آنها بدین قرار است:

۱. یکی از مشکلات، تلقی‌های مختلف از فلسفه علم فقه است برخی آن را با مبانی فقه

یکی دانسته‌اند و حتی برخی آن را «فلسفه احکام» پنداشته‌اند که این مطلب در تعریف فلسفه علم فقه و ساختار آن بررسی شده است.

۲. بر فرض که یک تلقی از فلسفه علم فقه وجود داشته باشد درباره علوم تدوین نیافته ساختارهای متفاوتی مطرح می‌شود همان‌طور که درباره فلسفه علم فقه هم وجود دارد که در محور «ساختارهای فلسفه فقه» نقل کرده‌ایم و ساختار برگزیده را تبیین و اشکالات سایر ساختارها را توضیح داده‌ایم.

۳. نوظهور بودن این رشته علمی استقصای دیدگاه‌ها، ادله و نتایج آن ما را با دشواری چندین برابر رو به رو می‌ساخت و به رغم تبع و تلاش فراوان، نگارنده ادعا ندارد که همه دیدگاه‌ها را در همه زمینه‌ها استقصاء کرده است. از این‌رو از خوانندگان فرهیخته استدعا دارم هرگونه پیشنهاد و انتقادی درباره این کتاب دارند بر نگارنده منت‌نهاده و آن را در اختیار قرار دهند.

آدرس ایمیل:

[ziyaei.saeid@isca.ac.ir](mailto:ziyaei.saeid@isca.ac.ir)

۴. به دلیل نوبودن این مبحث صاحب‌نظران قوی برای مشورت، اظهار نظر درباره طرح و متن تحقیق وجود نداشت بلکه برخی از افراد نظرات ناشیانه‌ای درباره این موضوع داشتند بهویزه در مرحله بررسی طرح تحقیق نمونه‌هایی از آن ظاهر شد از این‌رو اینجانب از مشورت افراد خبره در این زمینه محروم بودم و ارزیابی طرح و متن تحقیق بسیار بیش از مقدار متعارف به طول انجامید، افرون بر آن تغییر سه مدیر گروه حقوق در طول این تحقیق برخی مشکلات را—به‌هویزه در انجام و پیگیری وظایف متعارف از سوی پژوهشگاه—به همراه آورد.

۵. گسترده‌گی مسائل فلسفه فقه مقداری بحث را طولانی کرد و برخی از مباحث مهم فلسفه علم فقه نظیر منابع، روش‌ها، مکاتب، پیش‌نیازها و علوم مقدماتی علم فقه در این کتاب مطرح نشد و امید است در فرصت دیگری به آنها پرداخته شود.

این کتاب را پس از نگارش دوست فاضل و هم مباحثه‌ای ارجمند حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقا‌ی صرامی ارزیابی کردند که از ایشان کمال تشکر را دارم. همچنین از

مدیران پیشین و کنونی گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مسئولان آن، ویراستار محترم و سایر کسانی که به گونه‌ای در آماده‌سازی و انتشار آن نقش دارند تشکر می‌کنم اکثر این تحقیق را اینجانب در منزل انجام دادم و همسر گرامی در فراهم ساختن محیط آرام نقش بسزایی داشت و حقاً سزاوار تقدیر فراوان است. همچنین از والده گرامی که همواره دعاهاش بدربقه راهم بوده است تشکر می‌کنم و برای مرحوم والدم غفران و رضوان الهی را از درگاه احادیث مسالت دارم و برای فرزندانم و همه فرزندان اسلام سعادت دو جهان را آرزومندم.

آبان ۱۳۹۱

عید غدیر خم ۱۴۳۳ق



## پیشگفتار

یکم: برخی از دانشوران در گذشته در مقدمه کتاب و قبل از پرداختن به مسائل یک رشته علمی یک دسته اطلاعاتی را پیرامون آن رشته علمی در اختیار خواننده قرار می‌دادند تا خواننده و دانش‌پژوه با بصیرت و آگاهی بیشتر به خواندن آن کتاب روی آورد بلکه مطالعه و تحقیق در آن رشته علمی را پیشه خود سازد؛ اطلاعاتی که درباره آن رشته علمی مطرح می‌گشت مختلف بود ولی به مرور زمان این اطلاعات بر هشت محور استقرار یافت. از این رو به «رئوس ثمانیه» شهره گشت، این محورها عبارت بودند از: ۱. غرض رشته علمی؛ ۲. فواید آن رشته علمی؛ ۳. نام آن رشته علمی و احیاناً وجه نامگذاری آن؛ ۴. تدوین‌کننده آن رشته علمی؛ ۵. نوع رشته علمی؛ ۶. علوم پیشینی و مقدماتی آن رشته علمی و علمی که بر آن رشته علمی مترب ا است؛ ۷. ساختار و تقسیم‌بندی مسائل آن؛ ۸. شیوه‌های آموزش آن علم.<sup>۱</sup>

در واقع غالب محورهای فوق یک نوع مطالعه پیرامون یک رشته علمی است که امروزه از آن به فلسفه یک علم تعبیر می‌کنند و مطالعه‌ای درباره یک رشته علمی است و به اصطلاح از سخن مطالعات برون علمی است.

این نوع مطالعه در گذشته چند ویژگی داشت:

اولاً: به عنوان یک رشته مطالعاتی و علمی مستقل مطرح نبود بلکه در مقدمه کتاب‌ها به صورت سریسته مطرح می‌گشت.  
ثانیاً: غالباً جنبه گزارشی و توصیفی داشت و در آن جنبه تحلیل و انتقاد وجود نداشت.

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: تفاتازانی، تهذیب المتنق، چاپ شده در: ملکشاهی، ترجمه و تفسیر تهذیب المتنق، ص ۲۰۰ و ۲۰۵؛ یزدی، الحاشیة على تهذیب المتنق، ص ۱۱۹-۱۲۱؛ تهانوی، کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، ج ۱، ص ۱۰.

ثالثاً: به برخی از ابعاد یک رشته علمی می‌پرداخت و بسیاری از ابعاد نظریه مبانی، منابع، تطورات و... یک رشته علمی مطرح نمی‌شد؛ از این‌رو جامعیت لازم را نداشت؛  
رابعاً: برخی از مطالبی که ارتباط چندانی با رشته علمی ندارد نظری وجه نامگذاری یا تدوین‌کننده مطرح می‌شد و به‌تعبیر دیگر مانعیت نداشت.

خامساً: غالباً فاقد استدلال بود بلکه معمولاً یک سلسله مسائل بدون ادله اثباتی آنها مطرح می‌شد، ولی مطالعات و تحقیقات پیرامون یک رشته علمی در این دو قرن اخیر ویژگی‌های دیگری پیدا کرده است.

اولاً: مباحث و مطالعات پیرامون یک رشته علمی خود به عنوان یک رشته علمی مستقل مطرح شده است و جنبه مقدماتی و اجمالی ندارد، برای بسیاری از رشته‌های علمی، فلسفه آن رشته علمی تدوین شده است نظری فلسفه علم فیزیک، فلسفه علم حقوق و... و برای برخی دیگر هم در آستانه تدوین است.

ثانیاً: این قسم مطالعات صرفاً جنبه گزارشی و توصیفی ندارد بلکه جنبه تحلیلی و انتقادی هم دارد بلکه درباره برخی از رشته‌های علمی جنبه انتقادی آن غالب است و بنا بر نظر برخی از صاحب‌نظران پیشرفت‌های برخی از رشته‌های علمی مرهون تشکیل فلسفه آن رشته‌های علمی و به‌ویژه نگاه‌های انتقادی درباره آنهاست.<sup>۱</sup>

ثالثاً: غالباً به ابعاد مختلف یک رشته علمی پرداخته می‌شود، هرچند که برخی از کتاب‌هایی که پیرامون برخی از رشته‌های علمی تدوین شده است به مبانی آن رشته علمی بیشتر پرداخته است یا تقریباً منحصر به مبانی شده است.

رابعاً: مطالبی که فایده علمی چندانی ندارد یا بعید الارتباط است و در آن مطرح نمی‌شود (نظریه مدون نخستین علم).

خامساً: علی‌القاعدہ در آن استدلال هم طرح و بررسی می‌شود مگر اینکه مسئله مطرح شده از مسائل علم دیگری باشد که در این صورت باید در آن علم دیگر بر آن استدلال گردد.

دوم: فلسفه یک علم مطالعه و تحقیقی است که موضوع آن، یک رشته علمی دیگر است مثلاً «فلسفه علم فقه» یک رشته علمی است که علم فقه را از ابعاد گوناگون نظریه تعریف،

۱. برای نمونه ر.ک: عابدی شاهروdi، گفتگوی فلسفه فقه، ص ۱۶۲؛ ملکیان، «فلسفه فقه در نظرخواهی از دانشوران»، نقد و نظر، ش ۱۲، ص ۹۸.

موضوع، اهداف، مبانی، منابع، روش‌ها و... بررسی می‌کند. از این‌رو کلمه «علم» باید در آن بباید نظیر فلسفه علم فقه، فلسفه علم سیاست، فلسفه علم تاریخ و فلسفه علم اخلاق و... البته گاهی واژه «علم» به جهت اختصار حذف می‌شود و گفته می‌شود فلسفه سیاست، فلسفه تاریخ ولی این نوع مطالعه درباره یک رشته علمی با بیان فلسفه، علل و مبانی یک دستور یا آموزه فرق دارد بنابراین فلسفه علم سیاست با فلسفه سیاست، فلسفه علم تاریخ با فلسفه تاریخ، فلسفه علم اخلاق با فلسفه اخلاق فرق دارد، در کاربرد دوم سیاست، تاریخ و اخلاق به معنای رشته علمی نیست بلکه به معنای عام مدنظر است. اخلاق کاربردهای مختلفی دارد که یکی از آنها علم اخلاق است؛<sup>۱</sup> همین‌طور تاریخ و سیاست کاربردهای مختلفی دارند<sup>۲</sup> و یکی از آنها علم تاریخ و علم سیاست است.

**سوم:** فلسفه برخی از رشته‌های علمی تدوین شده است نظیر فلسفه علم فیزیک، فلسفه علم حقوق، فلسفه علم کلام و فلسفه علم شیمی، فلسفه علم ریاضی، فلسفه علم منطق، فلسفه علم فلسفه و....

ولی درباره علم فقه کتاب کاملی تدوین نشده است، آری برخی از مقالات و کتاب‌ها درباره برخی از محورهای آن تدوین شده است یا در مقالاتی بسیار گذرا به این پرداخته شده است ولی تا آنجا که نگارنده بررسی کرده است تدوین جامع، کامل و مفصلی در این‌باره ارائه نشده است.

**چهارم:** اولین مطلبی که برای تدوین فلسفه علم فقه لازم است مشخص کردن ساختار آن است. از این‌رو در اینجا کلیات مهم‌ترین محورهای فلسفه علم فقه را می‌آوریم:

۱. تعریف علم فقه؛
۲. موضوع و قلمرو علم فقه؛
۳. اهداف علم فقه؛
۴. مبانی علم فقه؛
۵. منابع علم فقه؛
۶. روش‌های علم فقه؛
۷. علوم تأثیرگذار بر علم فقه؛

۱. برای نمونه ر.ک: سعید ضیائی‌فر، تأثیر اخلاق در اجتهاد، ص ۴۵.

۲. برای نمونه ر.ک: گفتگو با استاد ملکیان، چاپ شده در: پیش‌درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی، ص ۲۰۵.

## ۸. ساختارهای علم فقه؛

## ۹. مکاتب و گرایش‌های علم فقه؛

۱۰. تحولات علم فقه در طول تاریخ.<sup>۱</sup>

پنجم: مهم‌ترین اهداف این تحقیق عبارت‌اند از:

## ۱. بررسی مهم‌ترین مسائل فلسفه علم فقه؛

۲. نشان دادن ریشه‌های مباحث فلسفه فقهی در آثار دانشوران بهویژه دانشوران فقه و اصول و بهره‌گیری آنان از مباحث فلسفه فقهی در فقه و اجتهاد موجود؛

۳. ارائه راه حل‌ها و شیوه‌های جدید برای استفاده از مباحث فلسفه فقهی در فقه و اجتهاد در دو سطح کلان و خرد.

ششم: مباحث فلسفه علم فقه در ایران از سال ۱۳۷۵ با گفتگوهای فلسفه فقه کلید خورد.<sup>۲</sup> نگارنده از آن زمان این موضوع را یکی از اصلی‌ترین محورهای مطالعاتی و تحقیقاتی خود قرار داده است و تقریباً نیمی از وقت مفید زندگی خود را وقف این کار نموده است و به توفيق الهی توانسته است آثاری را در این زمینه فراهم و به جامعه علمی کشور عرضه کند.<sup>۳</sup>

۱. نگارنده در مقاله‌ای ساختار فلسفه علم فقه را در جهارده محور اصلی و با زیرمجموعه‌هایش آورده است (ر.ک: سعید ضیائی‌فر، «فلسفه علم فقه تعریف، ساختار و اولویت‌های پژوهشی»، *فصلنامه تخصصی نقد و نظر*, ش ۴۷ و ۴۸، ص ۲۷۹ به بعد).

۲. این کار با عنوان گفتگوهای فلسفه فقه در سال ۱۳۷۵ در گروه پژوهشی فلسفه فقه و حقوق پژوهشکده فقه و حقوق وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات آغاز شد و در سال ۱۳۷۷ به صورت کتاب منتشر گردید.

۳. آثاری که نگارنده تاکنون در موضوع فلسفه فقه و اصول نوشته است بدین قرار است:

۱. مبانی کلامی فقه شیعه (پایان‌نامه کارشناسی ارشد/۱۳۷۶)؛

۲. جایگاه مبانی کلامی در اجتهاد (کتاب/۱۳۸۰)؛

۳. جایگاه عقل در اجتهاد (مقاله/۱۳۸۱)؛

۴. پیش‌درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی (کتاب/۱۳۸۴)؛

۵. مبانی کلامی اصول (مقاله/۱۳۸۴)؛

۶. شؤون پیامبر و نقش آن در اجتهاد (مقاله/۱۳۸۵)؛

۷. فلسفه علم اصول (مقاله/۱۳۸۵)؛

۸. تأثیر دیدگاه‌های کلامی بر علم اصول (مقاله/۱۳۸۵)؛

۹. علوم مرتبط با فقه (مقاله/۱۳۸۶)؛

۱۰. قلمرو دین و ضوابط علوم دینی (مقاله/۱۳۸۶)؛

۱۱. مبانی کلامی علم اصول (پایان‌نامه سطح ۴/۱۳۸۶)؛

۱۲. اهداف علم فقه (مقاله/۱۳۸۷)؛

۱۳. اهداف آموزه‌های فقهی از منظر روایات رضوی (مقاله/۱۳۸۷)؛

۱۴. اهداف احکام فقهی با تأکید بر دیلگاه شهید اول (مقاله/۱۳۸۷)؛

هفتم: آنچه پیش روست در آغاز یادداشت برداری‌هایی بود که از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۸۰ در محورهای مختلف فلسفه علم فقه گردآوری شده بود. از آن سال تا سال ۱۳۸۲ آن را به صورت جزو درسی درآوردم و پس از آن تاکنون حدود بیست دوره در دو مقطع کارشناسی ارشد و دکترا در مراکز حوزوی و دانشگاهی تدریس کرده‌ام. در سال ۱۳۸۶ گروه فقه و حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به اینجانب پیشنهاد داد، تحقیقی را در این زمینه تهیه کنم؛ پس از نگارش طرح تحقیق و تصویب آن در سال ۱۳۸۷ تحقیق مجدد و گسترده را در این‌باره آغاز کردم و پس از نگارش چندین‌بار تحقیق جدید در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا تدریس شد و اینک پس از بازنگری، تکمیل و اصلاح تقدیم می‌گردد؛ امید است که پس از دریافت نقطه‌نظرات صاحب‌نظران ارجمند کاستی‌های آن جبران و بر نقاط مثبت آن افزوده شود.

در این ماه عظیم‌القدر از درگاه قدس‌الهی عاجزانه خواستارم که این تلاش کوچک را به احسن وجه قبول فرماید و آن را ذخیره‌ای جاوید در عقباً و دنیا قرار دهد و عموم فقه‌پژوهان را از آن بهره‌مند سازد و ما را به انجام تحقیقات مفید و دقیق در زمینه‌هایی که خلاصه تحقیقاتی وجود دارد، موفق نماید.

بمنه و کرمه

سعید ضیائی‌فر

قم، ۱۴۳۲، رمضان ۱۳۹۰/۵/۱۴

۱۵. فلسفه علم فقه (مقاله/۱۳۸۷):
۱۶. تأثیر اخلاق در اجتهاد (کتاب/۱۳۸۸):
۱۷. فلسفه فقه سیاسی (مقاله/۱۳۸۸):
۱۸. گونه‌های تأثیر اخلاق در فقه و اجتهاد (مقاله/۱۳۸۹):
۱۹. تأثیر مبانی کلامی بر فقه سیاسی (کتاب/۱۳۸۸-ادامه دارد):
۲۰. ولایت پیامبر و امام بر تشريع (مقاله/۱۳۸۸):
۲۱. تأثیر دیدگاه‌های کلامی بر علم اصول با تأکید بر دیدگاه آخوند خراسانی (مقاله/۱۳۸۹):
۲۲. رویکرد حکومتی در فقه (کتاب/۱۳۹۰):
۲۳. شوون معصوم و تأثیر آن بر شناخت تعالیم دین (مقاله/۱۳۹۰):
۲۴. تأثیر انسان‌شناسی بر اجتهاد (کتاب/۱۳۸۶-ادامه دارد):
۲۵. نقش احتیاط در اجتهاد و افتاء (کتاب/۱۳۸۶-ادامه دارد):
۲۶. بهره‌گیری از اهداف دین در اجتهاد (کتاب/۱۳۸۷-ادامه دارد):
۲۷. نیمنگاهی به سازوکارهای کارآمدی فقه (مقاله/۱۳۹۰):
۲۸. مکتب فقهی امام خمینی (کتاب/۱۳۹۰):
۲۹. شیوه بهره‌گیری از اهداف در اجتهاد (مقاله/۱۳۹۰).



## فصل اول

### مباحث مقدماتی

در فلسفه علم فقه، پرسش‌هایی درباره علم فقه بررسی می‌شوند که مسائل فلسفه علم فقه را تشکیل می‌دهند. در این فصل، مسائل فلسفه علم فقه – که درباره علم فقه‌اند – بررسی نمی‌کنیم، بلکه پرسش‌هایی را درباره خود فلسفه علم فقه بررسی می‌کنیم و از این‌رو، این فصل را «مباحث مقدماتی» نام نهادیم.

در این فصل، تعریف فلسفه علم فقه و تفاوت آن با فلسفه احکام، اهداف فلسفه علم فقه، روش فلسفه علم فقه، تفاوت فلسفه علم فقه با علم اصول، ساختار فلسفه علم فقه، تقدم فلسفه علم فقه بر علم فقه و پیشینهٔ مباحث فلسفه فقهی در تراث علمی گذشتگان را بررسی می‌کنیم.

#### گفتار اول: تعریف فلسفه علم فقه

از فلسفه علم فقه تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است که مهم‌ترین آنها را در اینجا نقل و بررسی می‌کنیم و سپس به تعریف برگزیده می‌پردازیم.

#### تعریف اول

برخی در تعریف فلسفه فقه گفته‌اند: فلسفه فقه مجموعه تأملات نظری و تحلیلی در باب علم فقه است.<sup>۱</sup>

از آنجا که این تعریف اجمالی و پیچیده است، تعریف‌کننده در ادامه هر یک از مفردات فلسفه فقه را چنین توضیح داده است:

۱. لاریجانی، گفتگوهای فلسفه فقه، ص ۱۷۱.

**الف) فلسفه:** فلسفه دو قسم است: فلسفه مطلق و فلسفه مضاد؛ فلسفه مطلق به مباحث مربوط به وجود می‌پردازد و فلسفه مضاد «تأملات نظری و تحلیلی و عقلاتی درباره یک پدیده است» که آن پدیده گاه علم است و گاه غیر علم، مثل خود زبان.<sup>۱</sup> و مراد از فلسفه در کاربرد فلسفه فقه، معنای دوم است.

**ب) فقه:** فقه در چند معنا به کار می‌رود:

۱. مجموعه‌ای از قضایا که موضوعش فعل مکلف است و محمول آن عبارت است از احکام به نحو اقتضا و تخيیر که تعریف معمولی فقه است: یعنی مجموعه‌ای است از قضایا و به قول غربی‌ها "a body of proposition" این یک نحوه نگرش به علم است.<sup>۲</sup>

۲. نحوه دیگر نگرش به علم این است که ما فعالیت عالمان را علم بدانیم؛ یعنی مجموعه تلاش‌های علمی عالمان را.... علم مجموعه فعالیت عالمان است، نه فقط علم در اینجا به صورت عمل یا "a body of proposition"<sup>۳</sup>

۳. یک وقت می‌گوییم علم فیزیک و مقصودمان عبارت است از موجود سیالی که از ارشمیدس و قبل از آن به وجود آمده و تاکنون ادامه دارد و به جلو می‌رود؛ یعنی می‌خواهیم به کل این موجود نگاه کنیم. گاه فقه برای ما کل این موجود جاری در عمود زمان است. در این صورت فلسفه فقه ناگزیر با تاریخ توأم می‌شود.<sup>۴</sup>

۴. گاه منظور شما از علم فقه، مقطع‌های آن است؛ یعنی مقطع فعلی آن، این اصطلاح خیلی رایج است. پس فقه کدام است؟ فلسفه چه چیزی را می‌خواهیم بنویسیم و تدوین کنیم فلسفه این مقطع را که در دسترس ماست.<sup>۵</sup>

وی در ادامه می‌گوید:

هم در مورد فقه تاریخی می‌توان فلسفه‌ای تدوین کرد و هم در مورد فقه حاضر و فقهی که بدان ملتزمیم، ولی نکته اصلی این است که تدوین فلسفه «فقه تاریخی» به معنای یافتن مبادی تصویری و تصدیقی و متداول‌زیک فقه فقهای سابق و جستجو از مباحث مرتبط با فقه آنان تأثیری بر فقه ما نمی‌گذارد... «فلسفه فقهی» که می‌تواند مؤثر باشد فلسفه فقه کنونی است.<sup>۶</sup>

۱. همان، ص ۱۷۲.

۲. همان، ص ۱۷۵.

۳. ر.ک: همان، ص ۱۷۶.

۴. همان، ص ۱۷۸ و ۱۷۹.

۵. همان، ص ۱۹۵.

### ارزیابی

۱. فلسفه علم فقه به عنوان یک رشته علمی حاصل اندیشیدن و بررسی کردن است (اسم مصدر)، نه خود تأمل و بررسی کردن (مصدر) و از این جهت تسامح در این تعریف وجود دارد.

۲. گرچه فلسفه کاربردهای دیگری هم دارد و کاربرد فوق کاربرد رایج آن است و معنای مراد در فلسفه فقه همان معنای دوم است، ولی درباره فقه نکاتی را باید در نظر گرفت:

الف) وی فقه را به مجموعه مسائل و تلاش فقیه معنا کرده است، ولی معنای دوم در واقع اجتهاد و عملیات استنباط است که با فقه فرق دارد و کاربرد فقه درباره آن کاربردی تسامحی است. به علاوه لازم بود که بعد از طرح این دو کاربرد درباره آن – همانند دو معنای سوم و چهارم – نظر خود را اظهار نماید که چنین کاری را انجام نداده است.

ب) فقه به عنوان مجموعه مسائل «فقه فتوایی» است که در رساله‌های عملیه فارسی یا عربی عرضه می‌شود. این فقه با فقه استدلالی فرق دارد. فقه استدلالی مجموعه مسائلی است که بر آنها استدلال می‌شود. این استدلال‌ها هم جزء علم فقه استدلالی به حساب می‌آید، همان‌گونه که استدلال‌های فقهی کتاب جواهر الكلام شیخ محمدحسن نجفی و کتاب مکاسب شیخ انصاری جزء آنهاست و فلسفه علم فقه به این معنا را باید تدوین کرد.

ج) همان‌گونه که می‌توان فقه را به فقه پیشینیان و فقه معاصر تقسیم کرد، می‌توان از فقه معاصر نیز تقسیم‌بندی‌هایی ارائه داد چه در قالب گرایش‌ها و مکاتب فقهی، نظری فقه امامیه، فقه زیدیه، فقه شافعیه، چه در قالب استناد به اشخاصی نظیر فقه امام خمینی، فقه آیت‌الله خوبی، فقه آیت‌الله بروجردی و...، بهویژه با توجه به اینکه به نظر در فلسفه علم فقه فقط باید توصیه‌ای به تحقیق پرداخت.<sup>۱</sup> براساس این مبنای فیلسوفی فقه باید فلسفه فقهی که خودش آن را صحیح می‌داند بحث کند و بحث از فلسفه فقه معاصر برای وی فایده‌ای ندارد. البته این اشکال بر مبنای دیگران که فلسفه فقه را توصیفی هم می‌دانند وارد نیست، بلکه اشکال بر مبنای کسانی وارد می‌شود که فلسفه فقه را صرفاً توصیه‌ای می‌دانند.<sup>۲</sup>

---

۱. ر.ک: همان، ص ۱۹۵ به بعد.  
۲. در آینده نزدیک از این مطلب بحث می‌کنیم.

## تعریف دوم

فلسفه علم فقه به سؤال از چیستی علم فقه پاسخ می‌دهد. در واقع تارو پود علم فقه را از هم باز می‌کند و به ما نشان می‌دهد که علم فقه چگونه بافتی دارد.<sup>۱</sup>

## ارزیابی

تعریف یادشده تعریفی ناقص است؛ چراکه چیستی علم فقه، یعنی تعریف آن و تعریف علم فقه فقط یکی از محورهای فلسفه علم فقه است، اما این جمله «که تارو پود علم فقه را از هم باز می‌کند و به ما نشان می‌دهد که علم فقه چگونه بافتی دارد» بیان مجملی است و تنها می‌توان آن را به ساختار علم فقه تفسیر کرد و این هم یکی دیگر از محورهای فلسفه علم فقه است. بنابراین، این تعریف جامعیت ندارد.

## تعریف سوم

برخی در تعریف فلسفه علم فقه آورده‌اند: «اگر علمی وجود یابد که علم فقه – که خود یک رشته علمی است – موضوع آن واقع شود یک علم درجه دوم پدید آمده است که از آن به «فلسفه علم فقه» یا به صورتی مختصرتر «فلسفه فقه» تعبیر می‌توان کرد».<sup>۲</sup>

چون این تعریف اجمال داشته است تعریف‌کننده می‌کوشد با تنظیر آن به «رؤوس ثمانیه»، آن را توضیح دهد. فلسفه فقه... درباره علم فقه سخن می‌گوید و هرچه درباره علم فقه گفته شود به این حوزه معرفتی راجع است. برای مثال، آنچه قدمًا از آن تعبیر به «رؤوس ثمانیه» یک علم می‌کردند، اگر در خصوص علم فقه مورد بحث و فحص واقع شود، به حوزه معرفتی فلسفه فقه تعلق می‌گیرد؛ یعنی تعریف علم فقه، موضوع این علم، غرض و غایت آن، منفعت آن، مرتبه و جایگاه آن در میان دیگر علوم، مُبدع و مددون آن، فهرست مباحث و مسائل آن و انداء تعلیمیه آن، همگی به حوزه فلسفه فقه راجع‌اند.<sup>۳</sup>

۱. مجتبهد شبستری، گفتگوهای فلسفه فقه، ص ۶۰.

۲. ملکیان، «فلسفه فقه در نظرخواهی از دانشوران»، فصلنامه نقد و نظر، ش ۱۲، ص ۳۵.

۳. همان، ص ۳۶.